

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نویسنده: رودیگر رائل  
برگردان: مجله جنوب جهانی  
فرستنده: عثمان حیدری  
۱۲ فبروری ۲۰۲۵

## چرا ترمپ حرف مفت می زند؟



ترمپ تحت فشار – مشکل اساسی بدهی‌ها و کسری بودجه همچنان پابرجاست  
نخستین اقدامات رئیس‌جمهور امریکا، تصویری از قاطعیت و تحول رادیکال را القا می‌کند. او با برخوردی  
بی‌ملاحظه، موفقیت‌هایی کسب کرده است، اما نه در رابطه با مشکل اساسی ایالات متحده: بدهی‌ها و کسری بودجه.

### کلامی تند و قاطع

ترمپ شروع به کار کرده و به نظر می‌رسد که هیچ‌چیز قادر به متوقف کردن او نیست. بسیاری از اقدامات او مورد  
تأیید مردمی است که از فضای «بیداری» در امریکا خسته شده‌اند. پیروزی در این زمینه و موضع قاطعانه‌ای که او در  
برابر کسانی که مطابق میلش رفتار نمی‌کنند اتخاذ کرده است، به بسیاری از امریکائی‌ها این احساس را داده که  
کشورشان دوباره عظمت خود را بازیافته است. دیگر کسی جرأت نمی‌کند با امریکا بازی کند. ترمپ هرکس را که سر  
سازگاری نداشته باشد، با اعمال تعرفه‌های سنگین یا حتی تهدید به مداخله نظامی، تحت فشار قرار می‌دهد.

در حالی که او توانست با رفتار آمرانه خود کشور کوچکی مانند کلمبیا را تحت کنترل درآورد، در مواجهه با مکزیکو  
– که کشور بزرگتری است – محتاطانه‌تر عمل می‌کند، چه رسد به قدرت‌های بزرگی مانند چین، روسیه و حتی  
اتحادیه اروپا. شاید او دریافته باشد که این کشورها، خلاف دوره نخست ریاست‌جمهوری‌اش، این بار برای مقابله با

حملات او، به ویژه در زمینه تعرفه‌ها، آماده شده‌اند. همچنین، ایالات متحده نیز نقاط ضعفی دارد که می‌توانند هدف حمله قرار گیرند.

اما در حالی که ترمپ ظاهراً هیچ برنامه‌ای برای مقابله با تورم و کسری بودجه ندارد، همچنان می‌تواند با رفتار پرخاشگرانه و پوپولیستی خود، هوادارانش را فریب دهد. برخورد سریع او با برنامه‌های «بیدارگرا» و کسانی که از این سیاست‌ها در دولت و جامعه سود می‌برند، برایش تشویق بسیاری به همراه داشته است. همچنین، با یورش‌های پولیسی علیه مهاجران غیرقانونی، توانست اجرای سخت‌گیرانه و عده‌های انتخاباتی خود را به نمایش بگذارد. با این حال، این اقدامات – که او آن‌ها را «انقلاب عقل سلیم» می‌نامد – تغییری در میزان تورم ایجاد نکرده‌اند.

### واقعیت سخت و دشوار

اما این همان چیزی است که مردم امریکا انتظار دارند. ترمپ در مبارزات انتخاباتی خود امیدهایی در این زمینه ایجاد کرد و اکنون بر اساس همین وعده‌ها مورد قضاوت قرار خواهد گرفت. او برای نشان دادن جدیت خود در مقابله با گرانی، در نخستین فرمان اجرائی خود به وزرای کابینه‌اش دستور داد که «از تمام ابزارها برای کاهش قیمت‌ها استفاده کنند.» همچنین، در یک ویدئوی منتشرشده از اجلاس داووس، به بانک مرکزی امریکا فشار آورد تا نرخ بهره را کاهش دهد. با این حال، او به‌عنوان رئیس‌جمهور، تاکنون اقدامات قابل‌توجهی برای مهار تورم اعلام نکرده است.

یکی از دلایل این موضوع، دشواری اجرای سیاست‌های کاهش تورم است. خلاف اخراج مهاجران غیرقانونی، این کار با صدور یک فرمان اجرائی قابل انجام نیست. برخی از برنامه‌های او، حتی در همین مرحله اولیه، به دلیل کمبود منابع مالی با شکست مواجه شده‌اند. او با یورش‌های گسترده به مهاجران غیرقانونی و اخراج فوری آن‌ها، این تصور را ایجاد کرده که سرانجام با بحران مهاجرت غیرقانونی مقابله خواهد کرد. اما برای عملی کردن وعده خود مبنی بر اخراج «میلیون‌ها و میلیون‌ها» نفر، به تأمین بودجه‌ای از سوی کنگره نیاز خواهد داشت.

فقط برای حفظ نرخ کنونی اخراج‌ها، اداره مهاجرت و گمرک امریکا (ICE) با کمبود بیش از ۲۰۰ میلیون دلار مواجه است. برای افزایش این اقدامات، بودجه بیشتری از خزانه دولت لازم خواهد بود، که با برنامه ترمپ برای کاهش هزینه‌های دولتی در تضاد است. علاوه بر هزینه‌های اضافی، این اقدامات منجر به کاهش درآمدهای دولتی نیز خواهد شد. بسیاری از این مهاجران سال‌هاست که در امریکا زندگی کرده و مالیات پرداخت می‌کنند، اما با اخراج آن‌ها، این درآمدها از بین می‌روند. افزون بر این، آن‌ها در بخش‌هایی مانند کشاورزی و خدمات غذایی کار می‌کنند، صنایعی که بشدت به نیروی کار مهاجر وابسته‌اند.

یورش‌ها و اخراج‌ها نه تنها از نظر اقتصادی، بلکه از لحاظ اجتماعی و سیاسی نیز پرهزینه هستند. این اقدامات باعث تشنج‌های داخلی بین گروه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی شده است. بسیاری از فرمان‌های اجرائی ترمپ در دادگاه‌ها به نبرد فراخوانده شده‌اند. همچنین، ایالت‌ها، شهرها و شهرداری‌هایی که تحت کنترل دموکرات‌ها هستند، اعلام کرده‌اند که «تسلیم فشارهای واشنگتن نخواهند شد.»

در لس‌آنجلس و شیکاگو، برای مثال، مقامات شهری و نیروهای پولیس مجاز به همکاری با مأموران فدرال در اجرای قوانین مهاجرتی نیستند. اخیراً رئیس پولیس مینیاپولیس هشدار داده که سیاست‌های ترمپ می‌تواند امنیت عمومی را تهدید کند، زیرا مهاجران غیرقانونی ممکن است به دلیل ترس از اخراج، از تماس با پولیس یا آتش‌نشانی در مواقع اضطراری خودداری کنند.

برنامه‌های اخراج گسترده نه تنها فشارهای مالی بیشتری بر دولت تحمیل خواهند کرد، بلکه باعث افزایش هزینه‌هایی خواهند شد که ترمپ قصد داشت کاهش دهد. برای مثال، دولت قصد دارد اردوگاه مهاجران در گوانتانامو را دوباره فعال و گسترش دهد تا ظرفیت پذیرش حدود ۳۰ هزار نفر را داشته باشد. اما تأمین بودجه این طرح، نیازمند تأیید کنگره است. علاوه بر این، ۳۰ هزار نفر در مقایسه با ۱۲ میلیون مهاجر غیرقانونی که در امریکا حضور دارند، رقم ناچیزی است. این موضوع به خوبی نشان می‌دهد که اگر ترمپ واقعاً بخواهد «میلیون‌ها و میلیون‌ها» نفر را اخراج کند، چه هزینه سنگینی بر دوش دولت خواهد گذاشت.

تصمیم برای استفاده از گوانتانامو به عنوان یک راحل موقت همچنین نشان می‌دهد که اجرای سیاست اخراج مهاجران، خلاف آنچه ترمپ در نظر داشت - و شاید خود نیز باور کرده بود - چندان آسان نیست. در مورد کلمبیا، او توانست شرایط را به نفع خود تغییر دهد، اما بازگرداندن مهاجران مکسیکوئی سؤال برانگیزتر است. روند بازگرداندن آن‌ها به کشورهای ثالث زمان‌بر خواهد بود، زیرا «مقامات امریکائی باید ابتداء توافقات لازم را انجام دهند.» این که این سیاست‌ها در نهایت به کاهش هزینه‌های دولت و کسری بودجه منجر خواهد شد یا خیر، هنوز مشخص نیست.

### اصلاحات اقتصادی دولت

اخراج مهاجران اما نه تنها کمکی به حل مشکلات مالی دشوار ایالات متحده نخواهد کرد، بلکه تأثیری در بهبود وضعیت معیشتی شهروندان در برابر گرانی‌ها نیز نخواهد داشت. یا باید هزینه‌ها کاهش یابد، یا بهرهوری اقتصاد امریکا افزایش پیدا کند. برای کاهش هزینه‌های دولتی، ترمپ شخصاً ایلان ماسک را به تیم مشاوران خود اضافه کرده است. وظیفه او بررسی نهادهای دولتی برای شناسائی سازمان‌ها و کارمندان ناکارآمد یا غیرضروری است. ماسک از دید عموم به عنوان یک کارآفرین موفق شناخته می‌شود، زیرا توانست توییتر را با اخراج ۸۰ درصد از کارکنانش متحول کند. به نظر می‌رسد همین تجربه، او را برای اصلاح ساختار دولت نیز واجد شرایط کرده است.

«در همین راستا، به ۲.۴ میلیون کارمند دولت و کارکنان نهادهای دولتی هشدار داده شده است: یا استعفاي داوطلبانه با دریافت حقوق تا اکتوبر ۲۰۲۵، یا این که در آینده هیچ تضمینی برای حفظ شغلشان وجود نخواهد داشت.» هدف، کوچکتر کردن دولت است. محاسبه ساده است: اگر تنها ۵ تا ۱۰ درصد از کارکنان دولتی این پیشنهاد را بپذیرند، حدود ۱۰۰ میلیارد دلار در سال صرفه‌جویی خواهد شد.

این طرح شامل برکناری آن دسته از کارمندان دولتی نیز می‌شود که از نظر ترمپ در انتخابات ۲۰۲۱ مانع از پیروزی او شده‌اند یا به او وفادار نبوده‌اند. حذف این افراد، علاوه بر ارضای حس انتقام‌جویی ترمپ، به کاهش هزینه‌های دولتی نیز کمک خواهد کرد. اما برنامه‌های صرفه‌جویی فقط محدود به این حوزه نیستند. آنچه کمکی به رشد بهرهوری اقتصاد امریکا نکند، باید کنار گذاشته شود؛ این سیاست جدید دولت به نظر می‌رسد. این موضوع شامل برنامه‌های اجتماعی نیز می‌شود. به همین دلیل، «قطع کمک‌های مالی، وام‌ها و سایر برنامه‌های حمایتی فدرال به ارزش چندین میلیارد دلار» در دستور کار قرار گرفته است.

### توزیع مجدد منابع

این اصلاحات اقتصادی صرفاً یک هدف اداری ندارد. هزینه‌ها و کسری بودجه باید کاهش یابند تا منابع مالی برای اولویت‌های دیگر آزاد شود. ترمپ و تیمش سیاست‌گذاری را بر اساس باورهای شخصی و الگوهای فکری سنتی خود انجام می‌دهند و رویکردشان چندان مبتنی بر ستراتیژی‌های علمی نیست. آن‌ها هر چیزی را که به ضرر امریکا باشد،

رد می‌کنند، زیرا امریکا یعنی خودشان. فقراء نیز شهروندان امریکائی هستند، اما نه همان امریکائی‌هایی که آن‌ها مد نظر دارند. فقراء هزینه‌سازند، اما ترمپ و همراهانش خود را امریکائی‌هایی می‌دانند که ارزش ایجاد می‌کنند و از دارائی‌های کشور محافظت می‌کنند.

در این میان، چین و اروپا نیز در مسیرشان قرار دارند. چین یک رقیب اقتصادی است و اروپا، از نظر آن‌ها، ایالات متحده را ناعادلانه تحت فشار قرار می‌دهد، زیرا به اندازه کافی برای ناتو هزینه نمی‌کند. پاناما، چون برای استفاده از کانال پاناما هزینه طلب می‌کند؛ دنمارک، چون حاضر نشد گرینلند را بفروشد. این کشورها می‌خواهند از رونق اقتصادی «شگفت‌انگیز» امریکا بهره ببرند، اما بدون این که بهای آن را بپردازند. بنابراین، همه باید تعرفه‌های سنگین پرداخت کنند: کانادائی‌ها، مکسیکوئی‌ها، اروپائی‌ها و به‌ویژه چینی‌ها، زیرا به باور ترمپ، آن‌ها ایالات متحده را ناعادلانه تحت فشار قرار داده‌اند. او آمده است که به این وضعیت پایان دهد.

این همان ذهنیت استنترگرائی امریکائی است که ترمپ در سخنرانی آغازین خود به آن اشاره کرد. جهان باید بر اساس نیازهای امریکا تنظیم شود. کمک‌های مالی به سایر کشورها قطع خواهد شد. هیچ سهمی به سازمان ملل متحد پرداخت نخواهد شد. پول باید در داخل کشور بماند، زیرا امریکا بحران مالی دارد و بهره بدهی‌ها، کشور را می‌بلعد.

بنابراین، دیگر هیچ محدودیتی برای بانک‌ها و شرکت‌های نفتی وجود نخواهد داشت. «حفاری کن، رفیق، حفاری کن» – نفت را از زمین استخراج کنید تا اقتصاد امریکا پول لازم را تأمین کند. بازارها را از نفت اشباع کنید تا قیمت کاهش یابد و مصرف‌کنندگان امریکائی دیگر تحت فشار قیمت‌های بالا نباشند. ارتش امریکا را تجهیز کنید تا چین و روسیه جرأت نکنند موقعیت برتر امریکا را زیر سؤال ببرند.

### عواقب ناخواسته

اما این برنامه‌ها پیامدهائی دارند که ترمپ به نظر می‌رسد از آن‌ها غافل است. اگر بازارهای جهانی با نفت ارزان امریکائی اشباع شوند، قیمت‌ها سقوط می‌کنند و سودآوری شرکت‌های نفتی امریکائی کاهش می‌یابد. بسیاری از آن‌ها ممکن است ورشکست شوند. علاوه بر این، سیستم دفاع راکتی که ترمپ در نظر دارد، بسیار پرهزینه است، به‌ویژه اگر قرار باشد کاملاً در داخل امریکا تولید شود. برآورد شده است که یک دستگاه دفاع راکتی ۱۰۰ میلیون دالر و هر راکت منفرد ۵۰ میلیون دالر هزینه خواهد داشت. اما در شرایطی که کسری بودجه امریکا ۲ تریلیون دالر و مجموع بدهی‌های کشور ۳۶ تریلیون دالر است، این پول از کجا تأمین خواهد شد؟

ترمپ امید زیادی به هوش مصنوعی دارد و معتقد است که این فناوری می‌تواند برتری امریکا را تثبیت و تقویت کند. در همین راستا، او همراه با شرکت‌های فناوری، پروژه هوش مصنوعی «Stargate» را راه‌اندازی کرده است که قرار است ۵۰۰ میلیارد دالر سرمایه جذب کند، بخشی از آن نیز از منابع دولتی تأمین خواهد شد. در حالی که ترمپ صدها میلیارد دالر از طریق اخراج کارمندان دولتی و قطع کمک‌های اجتماعی صرفه‌جویی می‌کند، همزمان مبالغ هنگفتی را به شرکت‌های دفاعی و فناوری تزریق می‌کند. همه این‌ها به نام اقتصاد امریکا و برای حفظ موقعیت برتر ایالات متحده انجام می‌شود.

اما نمونه Stargate نشان می‌دهد که تعادل قدرت در اقتصاد جهانی در حال تغییر است. در حالی که امریکا سال‌ها تلاش کرده تا رشد فناوری چین را مهار کند و با سرمایه‌گذاری‌های صدها میلیارد دالری جایگاه برتر خود را حفظ کند، چین با پروژه «Deepseek» توانسته امریکا را به نبرد فرا خواند. چینی‌ها با بخشی از هزینه‌های امریکا و در زمانی بسیار کوتاه‌تر، یک سیستم هوش مصنوعی در سطح فناوری امریکا توسعه داده‌اند.

این نشان می‌دهد که برتری امریکا در حال کاهش است و ممکن است در این رقابت پیروز نشود. جمعیت چین چهار برابر امریکا است، بسیار متخصص‌تر و انگیزه‌مندتر. در شرایط برابر، چین چهار برابر نیروی انسانی متخصص در زمینه‌های علمی و فنی دارد. این واقعیت اثرگذار خواهد بود. چین منابع مالی و صنعتی کافی برای مقابله با تعرفه‌های ترامپ را دارد.

اکنون، اقتصاد امریکا عقب افتاده است. جهان از چین خرید می‌کند، در حالی که در امریکا، فقط خود امریکائی‌ها خرید می‌کنند.

۱۱ فبروری ۲۰۲۵